

با سلامی گرم

قبل از اینکه جوابی به نامه شما بدهم لازم میدانم در ابتدا توضیح کوتاهی بدهم تا به روشن شدن ذهنمان کمک کند. ترجمه سخنرانی یکی از روسای آس.سی.اف.تی.یو. از جانب من برخلاف خیلی از سیاسیون نه به منظور ایجاد جاروجنجال، نه به منظور ارضای خودخواهی و رفع کمبود های روانی و نه از سر مشغله و تفنن روشنفکرانه بود. این کار تنها گوشه بسیار کوچکی از وظیفه طبقاتی من به عنوان یک کارگر و تنها و تنها برای روشننگری بود. من همانطور که اشاره کردم، آنرا به 11 سایت فرستادم، سایتهایی که بقول خودشان کارگری است و یا بخشی از سایت خود را به کارگران اختصاص داده اند. من بدون اینکه به ماهیت طبقاتی گردانندگان اینها اشاره کنم، از شما به عنوان یک کارگر (چون در نامه اشاره کردید) که مجبورید برای امرار معاش خود روزانه 9 ساعت کار کنید) میپرسم که آیا نباید سایتی را که نامش را روشننگری گذاشته است به سنگ محک زد؟ آیا نباید موضع حزبی را که بنام حزب کمونیست ایران از درج حقایق وحشت دارد به کارگران معرفی کرد؟

من پس از سانسور آگاهانه این افراد یکبار دیگر همین سخنرانی را برای آنها فرستادم و به مدت 8 روز دیگر منتظر عکس العمل اینها ماندم. توجه داشته باشید که یک نوشته در فاصله 16 روزه دو بار به این سایتها فرستاده شد و همین مقاله که شما زحمت درج آنرا کشیدید، برای چندمین بار به بیش از 20 سایت فرستاده شده است. آیا آوردن نام این سایتها در نوشته بعدی جز بیان یک حقیقت ساده نبود؟ من شخصا فکر میکنم همانطور که خودتان نیز اشاره کرده اید بخاطر حجم کار دچار اشتباه شدید. من موقع ارسال این ترجمه به اهمیت طبقاتی مساله اشاره کرده بودم و شما متاسفانه آنرا اهمیت تبلیغاتی خوانده بودید. شما حتما به معانی کاملا متفاوت این دو واژه واقفید. شما پس از دریافت نامه من این اشتباه را در سایت خود تصحیح نمودید و این نشانی از امانتداری و شهامت اخلاقی شماست که باید سرمشق کارگران آگاه باشد. من کاری به سایر افشار و طبقاتی که از حاصل دسترنج کارگران میخورند ندارم زیرا آنها برای تداوم این اوضاع باید به قلب واقعیات بپردازند.

من نه شما را با اسم و رسم میشناسم و نه شما مرا با اسم و رسم میشناسید. شما در جواب به نامه کوتاه من مساله را فردی و شخصی دیده اید، در حالیکه رفتار و اعمال ما مهر و نشان طبقه و افشار مختلف را بر خود دارد. من آنجا که صحبت از کالا های بنجل در این سایتها کرده ام منظورم روشن بود. شما اگر به این سایتها و محتوای نوشته های مندرج در آنها دقت کنید خواهید دید که چه بخش عظیمی از آنها متعلق به دشمنان طبقه کارگر هستند. من باتوجه به اینکه قول دادم نامه کوتاهی بنویسم از آوردن مثال خودداری میکنم. در ضمن قرار گرفتن نوشته یا مطلبی روشنگرانه در کنار این کالا ها چیزی از اهمیت آن کم نمیکند. اگر یک قطعه هر چند کوچک طلا را سالها در میان آشغال و کتافات دفن کنید، چیزی از طلا بودن خود را از دست نمیدهد. این را فقط به عنوان مثال آوردم تا بگویم که این مطلب روشنگرانه را پس از صد سال هم بخوانید خدشه ای در صحت آن ایجاد نخواهد شد.

در صفحه دوم نامه شما پس از اشاره به اهداف سایت با آوردن نام چند کمیته و تشکل فعالین سیاسی قید کرده اید که افق روشن جز اینها جنبش دیگری را سراغ ندارد و از من خواسته اید که اگر از جنبش دیگری خبر دارم به سایت افق روشن معرفی کنم. اولاً باید بگویم که محدود کردن جنبش کارگری در وجود چند کمیته چند نفره و تشکل چند نفره فعالین سیاسی به لحاظ طبقاتی امری مضر و نادرست است. در ضمن این دسته از کارگران که نمایندگی کردن و نمایندگی شدن را قبول ندارند در بستر واقعی و ارتباطات واقعی وجود دارند ولی دلیل نداشتن امکانات و فقر و فاقه مالی و دوری از جنجال سازیه متناسب با واقعیات زندگیشان تلاش میکنند و تازه اینها خود را صاحب، ولی و قیم کارگران و جنبش کارگری میدانند.

شما اگر واقعا مصمم هستید حتی قدمی کوچک در راه مبارزه طبقاتی بردارید، قبل از هر چیز طبقات و قوانین ضروری حاکم بر مناسبات سرمایه داری را بشناسید. اگر میخواهید حرکاتی را که سایر طبقات بنام کارگران انجام میدهند بشناسید، به رابطه سوسیال دموکراسی، طرفداران سابق شوروی، خانه کارگر، سازمان جهانی کار، آی.سی.اف.تی.یو، سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و سازمان ملل متحد بدقت توجه کنید.

در انتهای نامه شما سوالی را علی العموم در مقابل جنبش کارگری و فعالین کارگری قرار داده اید. من درست است که خودم از راه کارگری امرار معاش میکنم، اما بطور مستقیم ارزش اضافی تولید نمیکنم. بهمین خاطر خودم را در مقامی نمیبینم برای طبقه کارگر ایران که گاهی پس از دو سال کار رایگان قادر به دریافت دستمزد خود از سرمایه داران نمیشود نسخه بیچم. اما یک چیز را میفهمم که طبقه ای که منفعتش در درجه اول نفی این نظام و در درجه بعدی نفی خود به عنوان طبقه است نمیتواند از ابزارهای

خود این نظام علیه آن استفاده کند. اگر کسی بگوید که میتوان از سازمان ملل، سازمان جهانی کار و اتحادیه های موجود دنیا در راه مبارزه طبقاتی استفاده کرد، باید نتایج آنرا نیز بپذیرد.

در خاتمه این نامه کوتاه برایتان آرزوی تندرستی میکنم. خوشحالم از اینکه هر چند مجازی از پشت صفحه کامپیوتر با شما درد دل کردم.

با احترام

اصلان فاطمی